

معرفی باغ تخت شیراز

بر پایه اسناد مصور و مکتوب

حمیدرضا خوئی

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

محمدرضا گراوندپور

کلید واژگان: باغ تخت شیراز، تخت قراچه، تخت قاجار

چکیده

مطابق مدارک تاریخی «باغ تخت» را در اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری، با نام «تخت قراچه» در شمال دشت «شیراز» و بر تپه‌ای در جنوب «باباکوهی» ساختند. این باغ در قرن نهم منبع الهام گورکانیان و معماران آنها بود. در زمان صفویان دریاچه‌ای در پای آن وجود داشت. در اواخر عهد صفویان یا عهد زندیان، باغی و عمارتی در بالا و نهری بر دامنه و استخری در پایین باغ بود. در آغاز زمامداری قاجاریان، عمارت جدیدی به جای عمارت پیشین ساختند و باغ «تخت قاجار» نام گرفت. در میانه این دوره، شیب باغ کربندی شد و باغ شکل مفصل و پُرشکوهی یافت. از اواخر این دوره، رو به ویرانی رفت. در عهد پهلوی بخش‌هایی از آن بازسازی شد لیکن طرح باغ مخدوش شد. سرانجام باغ در قلمرو قرارگاه نظامی شهر قرار گرفت و تا کنون بخش اعظم آن ویران شده است.

مقاله پیش رو بر پایه پژوهشی است به نیت رفع ابهام از گذشته «باغ تخت» شیراز. از آنجا که باغ تخت در تصرف پایگاه نظامی است کاوش در آن میسر نیست و باید به اطلاعات مکتوب و مصور اکتفا کرد. بیشتر اطلاعات این مقاله هم از منابع مکتوب گرد آمد؛ منابعی که اخبار پراکنده‌ای از قرن پنجم تا کنون فراهم کرد. مدارک دیگر عکس‌هایی بود که وجوهی از سیمای باغ را از عهد ناصرالدین‌شاه تا کنون نشان می‌داد. یک نقاشی از قرن نهم، یک تصویر آب‌مربک از اواخر دوره صفویان یا شاید عهد افشاریان، و یک طرح سیاه‌قلم از اواسط دوره قاجاریان دیگر اسناد تصویری بود. این اسناد علاوه بر آنکه گوشه‌هایی از سیر تحول این باغ هزار ساله را روشن کرد، ابهام‌هایی هم پیش آورد. با این اخبار تاریخی مختصر «باغ تخت» نوشته شد تا امکان تأمل در معماری آن فراهم شود.

پرسش‌های تحقیق

- ۱) از «باغ تخت شیراز» بر پایه اطلاعات مکتوب و مصور، چه می‌توان دانست؟
- ۲) «باغ تخت شیراز» کی بنیاد نهاده شد و نامش چه بود و پس از آن دستخوش چه تحولاتی شده است؟
- ۳) مفصل‌ترین صورت «باغ تخت شیراز» در چه دوره‌ای تحقق یافت؟

۱. اتابک قراچه خلف اتابک فخرالدوله چاولی سقاره بود. اتابک چاولی از رجال قرن ششم بود. او بیست سال والی نیمه مستقل فارس و کرمان بود و در سال ۵۱۰ هجری درگذشت. در این باره نک: *فارسنامه ابن بلخی*، توضیح و تحشیه منصور رستگارفسائی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴، ص ۱۵.

۲. مطابق *فارسنامه ابن بلخی* اتابک قراچه پس از اتابک چاولی حکمران منطقه شد. بنابراین دوره زمامداری او قرن ششم بوده و «تخت قراچه» را در قرن ششم ساخته است. اما از آنجا که در جای دیگر، سال ساخت باغ چهارصد و هشتاد آمده، در ذکر تاریخ ساخت باغ میان قرن پنجم و ششم در تردید بودیم و ناچار هر دو را در متن نوشتیم. برای ملاحظه منبع اخیر، نک: علی‌نقی بهروزی، *بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز*، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، ص ۱۱۱.

۳. درباره تاریخ تأسیس «تخت قراچه»، نک: خواندمیر، *حبیب‌السیر*، ۴ ج، تهران: خیام، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۵۵۹. همچنین نک: فرصت‌الدوله شیرازی، *آثار المعجم*، تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۲، ص ۵۱۳.

۴. «بابا کوهی» نام کوهی است در شمال شیراز که مزار شیخ ابو عبدالله علی بن محمد بن عبدالله شیرازی، از مشایخ قرن پنجم، بر دامنه آن است. تخلص شیخ «باباکوهی» بوده است. نک: همان، ص ۴۸۴.

۵. آنچه امروز از بخش فوقانی «باغ تخت» باقیمانده (که احتمالاً همان بخش اصلی «تخت قراچه» است) بسیار مخدوش شده است.

«تخت قراچه» در حدود قرن پنجم و ششم

«آتابک قراچه»^۱ در اواخر قرن پنجم یا ششم هجری^۲ باغی در شمال شیراز بنیاد کرد، که «تخت قراچه» نام گرفت.^۳ این باغ را بر قطعه کوهی در جنوب «باباکوهی»^۴ ساختند و به رغم تحولات فراوان طی قرون هنوز بر آن قطعه کوه باقی است.^۵

«تخت قراچه» از قرن نهم تا پیش از عهد

قاجاریان

باغ در حدود قرن نهم وسیع و پُرشکوه بود و مخاطب را حیران می‌کرد. تیمور گورکانی که به شیراز رفت، در حوالی آن اُتراق کرد.^۶ جلوه باغ چنان بود که خاطره تابناک آن از یاد تیمور نرفت و چون قصد آبادانی سمرقند کرد، کاخی با همین نام در بیرون شهر ساخت.^۷

از سرگذشت باغ از عهد تیمور تا قاجاریان، اخبار و شواهد کمی در دست است. یکی از آنها، اثر^۸ کمال‌الدین بهزاد^۹ است. (ت ۱) این اثر تیمور را در حالی نشان می‌دهد که در نزدیکی باغ بارعام داده است. در پس خیمه تیمور کوه و دشتی است و درخت و اسب و درازگوش و مهتری در آن. پیداست که آنجا بیابان و پای کوه است نه باغی منظم. اما در پای خیمه استخری کشیده‌اند که نهر آبی بدان وصل است. در استخر عمارتی کوچک هست؛ آنقدر کوچک که بعید است کسی از شخصیت‌های تصویر در آن جای گیرد. البته جای تعجب نیست. چنین ترکیبی در نقاشی ایرانی متداول بود؛ چه، در این قبیل تصاویر نه فضای واقعی پیش رو، که فضای حقیقی اصل بود.

باری، اگر این تصویر خیالی اندکی مطابق واقع باشد، شاید بتوان از آن بهره گرفت.^{۱۰} اگر عمارت میان استخر کوشک کوچکی هم باشد، علی‌القاعده، استخر مذکور بسیار وسیع بوده است. می‌دانیم استخری که در میانش بنایی هم برپا باشد تنها در چند باغ ایرانی پیدا می‌شد؛ آن هم باغ‌های بسیار پرداخته و مفصل.^{۱۱} (ت ۲) در حالی که هیچ‌گاه در این منطقه از باغ و استخری بزرگ، جز همین باغ، نام نبرده‌اند. برای احداث باغ از همان ابتدا از «نهر اعظم» در کوه‌های شمال شیراز

ت ۱. (راست) کمال‌الدین بهزاد، بارعام تیمور در حوالی تخت قراچه، مأخذ: بهزاد در گلستان.
ت ۲. (چپ) باغ شالیمار، کشمیر.

۶ مطابق خبر ظفرنامه (قرن نهم - ۸۵۸ق) تیمور پس از فتح شیراز در حوالی «تخت قراچه» خیمه زد و بزرگان شیراز به استقبال او رفتند. در کتاب آمده: «... در ظاهر شهر شیراز حوالی تخت قراچه مرکز رایت نصرت آیت گشت و تمام اصول و کلانتران باحرار سعادت زمین بوس شتافتند...». شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۴۳۷.

۷. در باب مستحذات تیمور در سمرقند آمده که وی «... بستانی در بیرون سمرقند به راه کش بنیاد کرده کاخی بدان برافراشت و آنرا تخت قراجا نام نهاد. ...»، احمدین محمدین عربشاه، زندگی شگفت‌آور تیمور، تصحیح محمدعلی نجاتی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹، ص ۳۰۸.

۸. بهزاد در گلستان، به مناسبت همایش بین‌المللی بزرگداشت استاد کمال‌الدین بهزاد، تهران-تبریز، آذرماه ۱۳۸۲.

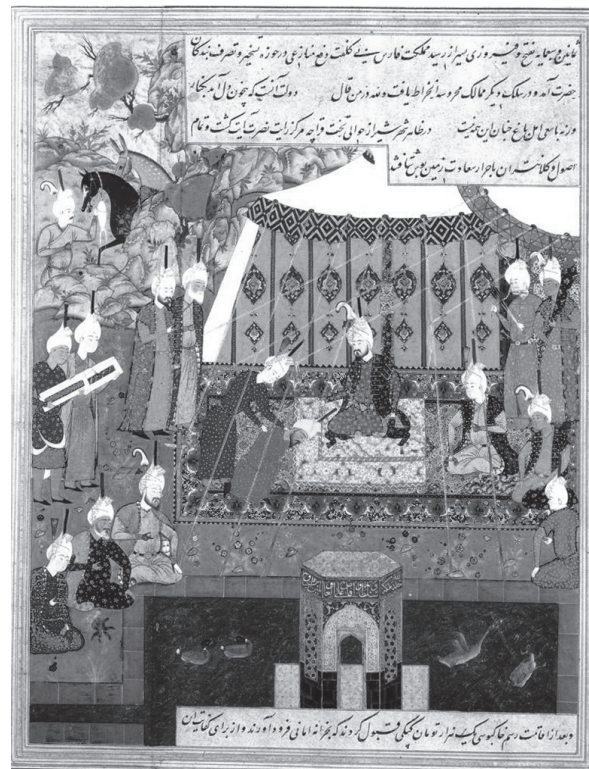
۹. کمال‌الدین بهزاد (ح ۸۶۵-۹۴۲ق) نگارگر چیره‌دست ایرانی، از نقاشان مکتب هرات و از شاگردان آقا میرک بود. نک: روین پاکباز، دائرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک)، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.

۱۰. بهزاد از نقاشان محفل امیر عیشیر نوایی و دربار سلطان حسین باقرا بود پس این نقاشی را پس از



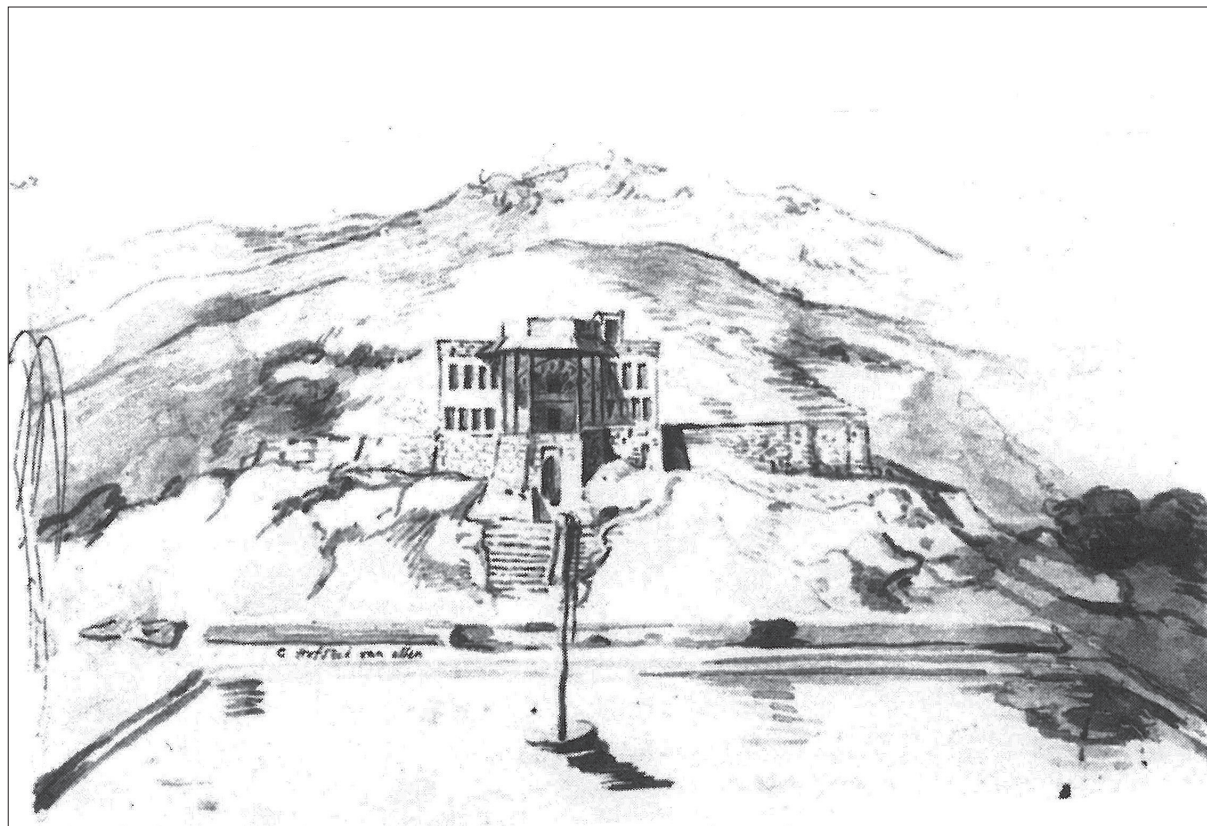
دوره‌های بعد باشد. در این صورت می‌توان گفت تا زمان تیمور، باغ حداقل بخشی بر رأس تپه داشت و نهر آبی در شیب و استخری بزرگ در پای تپه. عمارتی هم در میان این استخر عرض اندام می‌کرد.^{۱۳}

تاورنیه^{۱۴} که در عهد صفویان به ایران آمد باغی در شمال شیراز دید که یکی از پادشاهان قدیم در پای کوه ساخته بود: باغی با درختان میوه و گل فراوان با عمارتی زیبا در بالای کوه و دریاچه‌ای بزرگ در پای آن.^{۱۵} هر آنچه تاورنیه از این باغ گفته است با تخت قراچه مطابقت دارد. آنچه تردیدی در سخن او می‌پرورد نام باغ است: «باغ فردوس». مطابق مدارک تاریخی باغی به این نام در شمال شیراز بود.^{۱۶} منتها گویا «باغ



انشعابی گرفتند، تا آب را از دوردست به قطعه‌کوه برسانند و بر آن سوار کنند.^{۱۲} اینها مؤید آن است که در اطراف باغ منبع آب دیگری نبوده است. حال باید پرسید باغ و استخر تصویر بدون آب «تخت قراچه» چگونه سیراب می‌شد؟

بر پایه این تأملات می‌توان فرض کرد که از بدو تأسیس تا چند سده «تخت قراچه» تنها بر رأس قطعه‌کوه گسترده بود. اما آبی را که از شیب آن فرو می‌آمد باید جایی جمع می‌کردند؛ پس استخری برای مهار آب ساختند. این استخر چندی قطعه منفردی در پای قطعه‌کوه و در حکم مقدمه باغ بود. شاید مراد از «حوالی تخت قراچه» در حاشیه‌نویسی نقاشی بهزاد همین جا باشد. گویا استخر همین تصویر مبنای استخر وسیع تصاویر



ت ۳. هوفستد فان اسن، تصویر آب مرکب از باغ تخت، اواخر دوره صفویان یا اوایل افشاریان.

عهد تیمور کشیده است. بنابراین اگر نسبتی میان تصویر و خود واقعه باشد باید فرض کرد که کسانی واقعه را برای بهزاد گفته‌اند و او بر اساس خاطرات آنان و خیال خود چیزی کشیده. اگر چنین باشد بهره‌گیری از نقاشی بهزاد وجهی دارد و اگر نقاشی تنها بر پایه فضای خیالی بهزاد رسم شده باشد استدلال مقاله بی‌وجه خواهد بود.

۱۱. از این جمله است باغ‌هایی چون باغ فرح‌آباد ساری و باغ فرح‌آباد اصفهان و باغ شاه‌گلی تبریز (علیرغم تغییرات بسیاری) و برخی باغ‌های هند و کشمیر همچون باغ شالیمار که نزد بسیاری از اهل نظر از مصادیق باغ ایرانی است.

۱۲. حاج میرزا حسن حسینی فسایی، *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: سپهر، ۱۳۶۷، ص ۱۲۳. در شمال غربی شیراز، چشمه‌سار بزرگی است. آب چشمه چون رودی کوچک جاری می‌شود و به آب‌های چند کاریز می‌پیوندد و پس از دو فرسنگ مسافت به آبخس بزرگی وارد می‌شود و بدین گونه رودخانه‌ای می‌سازد. این رودخانه را «نهر اعظم» می‌نامند. نک: علیرضا آریانپور، *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران*، تهران: گلشن، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷.

۱۳. اگر این حدس و گمان‌ها صحیح باشد باید گفت عمارتی که در میان استخر است پس از چندی ویران شد و دیگر هیچ‌گاه بازسازی نشد و شاید تختی که قرن‌ها بعد در تصاویر باغ

شکل و شمایی دارد: سطحی تخت و گسترده بر تپه با عمارتی فاخر بر لبه دامنه آن که نهر آبی هم از آن فرو می‌ریزد. در دو سوی نهر، معبری پلکانی هست. نهر به استخری گسترده در پای تپه می‌پیوندد. در میان استخر هم، فواره‌ای بسیار بلند قرار دارد.

با این اوصاف باید با اطمینان گفت که باغ تا پیش از عهد قاجاریان، سه بخش بالا و میانه و پایین داشت. از آنجا که نهر آب و پلکان دو سوی آن باریک بود، سطح تپه در فاصله میان عمارت فوقانی تا استخر باغ به وضوح پیدا بود و میان بالا و پایین باغ انفکاک آشکاری به چشم می‌آمد.

فردوس» را نه بر شیب کوه که بر زمینی هموار ساخته بودند. پس روایت تاورنیه مطابق با صفات «باغ فردوس» نیست بلکه با مشخصات «تخت قراچه» مطابقت دارد. گویا تاورنیه در ذکر نام خطا کرده و آنچه شرح داده همان تخت قراچه است. در این صورت باغ در فاصله قرن پنجم و ششم تا اواسط عهد صفویان، بنایی در رأس قطعه کوه بر لبه دامنه داشت و دریاچه‌ای بزرگ.

علاوه بر منابع فوق تصویر آب‌مرکبی از باغ پیدا شده^{۱۷} که خام و کم‌دقت اما مهم است. (ت ۳) چه، در میان اسناد تاریخی باغ، قدیمی‌ترین سند تصویری است: تصویری از اواخر دوره صفویان یا اوایل عهد افشاریان.^{۱۸} باغ تصویر چنین

ت ۴. باغ تخت، نقشه، ترسیم از دونالد ویلبر.

آمد ردی از آن بنای کهن باشد.

14. John Baptiste Tavernier

۱۵. ژان باپتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران: دانشگاه تهران، کتابفروشی تأیید، ۱۳۶۹، ص ۶۶۳

۱۶. کرامت‌الله افسر درباره «باغ فردوس» نوشته است: «با توصیفی که از این باغ شده احتمال دارد در جای فعلی باغ ارم باشد که تا دامنه کوه آسیاسه تالی ادامه داشته است.» به نقل از: علیرضا آریانپور، پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران، تهران: گلشن، ۱۳۶۷، ص ۱۵۳.

۱۷. مهوش عالمی، «باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها»، ترجمه محسن جاوری، در گلستان هنر، ش ۵ (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۷۲-۹۱.

۱۸. تصویر را «هوفستد فان اسن» (G. H. Van Essen) مستشرق هلندی در اواخر قرن هیجدهم تا اوایل قرن نوزدهم کشیده است، که تقریباً برابر با اواخر عهد صفویان و افشاریان است. همان.

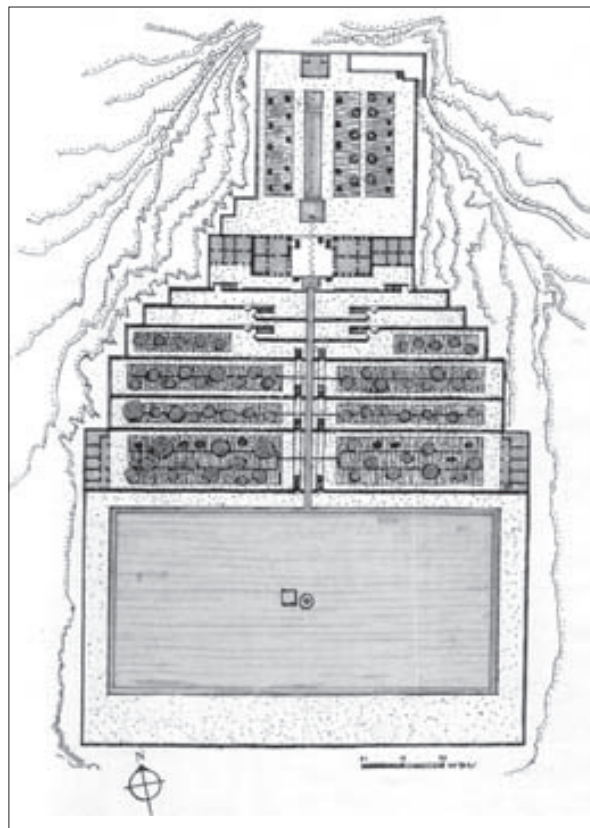
۱۹. فرصت‌الدوله شیرازی، همان، ص ۵۱۳.

۲۰. همان.

۲۱. حاج میرزا حسن حسینی فسایی، همان، ص ۱۲۳۱.

۲۲. «پیمان شیراز»، به یک قول برابر ۲۳۶۲ مترمربع بوده است. به نقل از: حسن امداد، شیراز در گذشته و حال، اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۳۹.

۲۳. فرصت‌الدوله شیرازی، همان، ص ۵۱۳. اگر مراد فرصت‌الدوله از پیمان، همان پیمان شیراز باشد،



بخش پُرشیب باغ هفت مرتبه یا کرت داشت و شیب مراتب هفت‌گانه رو به جنوب بود. بلندای مرتبه‌ها به هم نزدیک و پهنای آنها (در امتداد شرق به غرب) در حدود طول دریاچه بود؛ برخی کمتر و برخی بیشتر.^{۲۹} عمق کرت‌ها یکی نبود. در برخی از کرت‌ها، درختان کوتاه نارنج و لیمو، با فاصله از یکدیگر، کاشته بودند. همچنین بر دو جانب شرقی و غربی پاره‌ای از کرت‌ها، میل‌های کوتاهی ساخته بودند که مزین به کاشی بود. در هر طبقه، دو رشته پله به قرینه اما در فاصله‌های گوناگون از میانه کرت در دو طرف سُرُسره قرار داشت. بر سطح بعضی از این مراتب، حوض‌های مختلفی ساخته بودند که فواره‌هایی در میانشان می‌جوشید.^{۳۰}

«تخت قاجار» از آغاز حکمرانی قاجاریان تا پایان عهد ناصری

آغامحمدخان در باغ تغییراتی داد. او دستور داد عمارتی جدید در باغ بسازند؛^{۱۹} احتمالاً در اوج تپه و در جای عمارت پیشین. شاید در آن زمان عمارت پیشین سخت فرسوده بوده است. با احداث بنای جدید باغ را «تخت قاجار» خواندند.^{۲۰}

از آنچه در عهد فتحعلی‌شاه در باغ روی داد خبری در دست نیست. اما می‌دانیم که در زمان محمدشاه و به دستور او بر «مراتب» باغ افزودند و در مقابل مراتب، حوضی در جای پیشین ساختند.^{۲۱} گویا مراد از مراتب باغ در این خبر، کرت‌های آن و منظور از حوضی در مقابل مراتب همان استخر بزرگ باشد. اگر چنین باشد، در عهد محمدشاه، بخش میانی باغ (همان بخش کرت‌ها) را مطابق کردند. اصولاً تغییری که با ساختن مراتب پیش آمد بسیار مهم بود. با این کار بخش میانی از صورت نهری باریک در شیب تپه در آمد و تپه در پس کرت‌ها پنهان شد.

اسناد مربوط به «تخت قاجار» در دوران زمامداری ناصرالدین‌شاه بیش از بقیه زمان‌ها است. از این زمان، علاوه بر توصیف‌های مکتوب، طرح سیاه‌قلم و مجموعه عکسی هم در دست است. از مجموعه این اسناد می‌توان باغ را چنین توصیف کرد: وسعت باغ، بنا به قولی، قریب یک‌صد پیمان^{۲۲} زمین بود.^{۲۳} در مقدمه باغ، باغ دیگری بود (باغ مقدمه) با دو خیابان بزرگ، با حاشیه‌ای از درختان سرو و چنار.^{۲۴} «باغ مقدمه» با دو رسته‌پله و دو درگاه به باغ اصلی وصل بود. در منابع دیگری که از این دوره در دست است، از «باغ مقدمه» سخنی نیامده، اما به کمک تصاویر هوایی شهر و نقشه‌ها می‌توان رد پای آن را پیدا کرد.

اندازه استخر مستطیل شکل قریب ۹۰ متر در ۶۵ متر بود.^{۲۵} این ابعاد نزدیک به ابعاد باغی است که ویلبر^{۲۶} در عهد پهلوی اول در کتاب خود رسم کرد.^{۲۷} (ت ۴) در سه جانب استخر که دریاچه باغ هم نام داشت، درختان سرو و کاج کاشته بودند.^{۲۸}

ت ۵. (بالا) باغ تخت. کلاه
فرهنگی شرقی در گوشه شمال
شرقی باغ در عهد ناصری.
ت ۶. (پایین) باغ تخت.

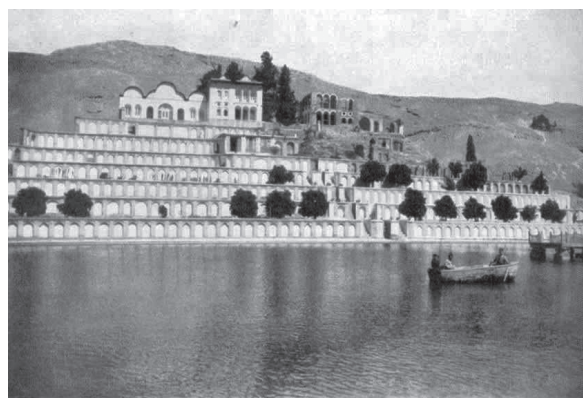


آنگاه یکصد پیمان حدود دویست و سی هزار مترمربع خواهد بود. اما وقتی مساحت باغ را بر پایه نقشه ویلبر و بخش‌هایی که باید به آن اضافه کرد، محاسبه کنیم، درمی‌یابیم که باغ حدود هفده هزارمترمربع مساحت دارد. نمی‌دانیم که این تفاوت ناشی از خطای نویسنده کتاب آثارالعجم است، یا چیز دیگر. شاید در محاسبه فرصت‌الدوله، باغ مقدم نیز از جمله اراضی باغ فرض شده. حتی شاید همه تپه تا محدوده‌ای از آن در قلمرو حریم باغ بوده، و همه این قلمرو قریب به یکصد پیمان زمین میشده‌است.

۲۴. همان. از نقشه‌های قدیمی چنین برمی‌آید که «باغ مقدمه»، باغی بزرگ در مقدمه باغ بود و امروز چیزی از آن باقی نمانده‌است. ۲۵. همان.

26. Donald Wilber
۲۷. دونالد ویلبر، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهیندخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۲۳۲.
۲۸. نک: حاج میرزا حسن حسینی فسایی، «فارسنامه ناصری»، همان، ص ۱۲۳۱.

۲۹. فرصت‌الدوله شیرازی، همان، ص ۵۱۳.
۳۰. همان، ص ۵۱۴.
۳۱. در آثارالعجم درباره این عمارت آمده: «... در مرتبه و طبقه بالا تالاری است رفیع با عرصه وسیع در دو طرف



دو طرف بخش میانی باغ (در امتداد جناح شرقی و غربی استخر) دو برج یا «کلاه‌فرنگی» به قرینه وجود داشت^{۳۱} که نمای اصلی‌شان رو به یکدیگر بود. هر کدام از این ساختمان‌ها دو ایوان در دو طبقه و بر سر هم داشت که ایوان فوقانی بلندتر

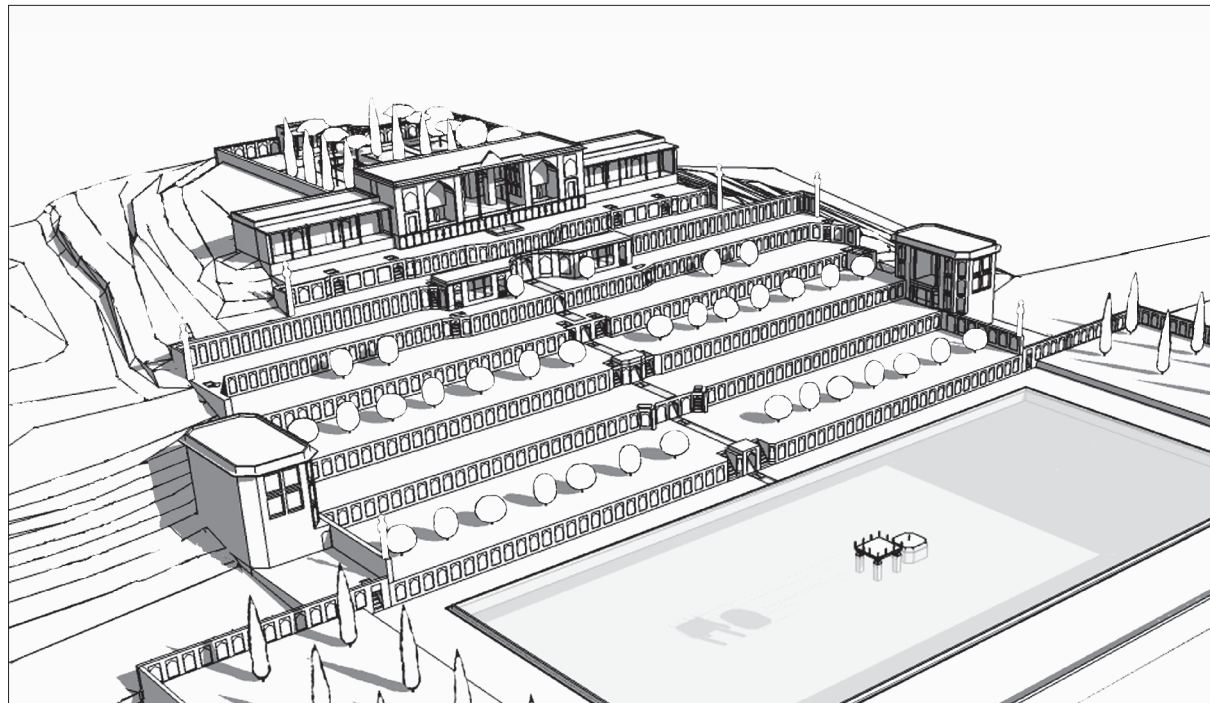
از ایوان پایینی بود. در طرفین ایوان، ایوانچه‌هایی بود که سه جانب نمای برج را (مگر نمای رو به خارج) دور می‌زد. (ت ۵ و ۶ و ۷)

عمارت اصلی باغ (شاه‌نشین) بر سکویی بلند بر فراز کرت‌ها نشسته بود.^{۳۲} ایوانی بلند با دهانه عریض در میان این عمارت دوطبقه وجود داشت که رو به دو سو گشوده می‌شد. مجموعه‌ای از اُرسی و گوشوار در دو طبقه ایوان را در میان می‌گرفت. در پس این بنا و ایوان آن، باغ فوقانی قرار داشت. این باغ کوچک که در این متن «باغ خلوت» نامیده شده قطعه‌ای مستقل بود که خود حوض آبی کشیده و باغچه‌هایی با درختان سرو و نارنج^{۳۳} داشت. در گوشه جنوب غربی «باغ خلوت» هم حمامی ممتاز بنا کرده بودند.^{۳۴}

آنچه از عکس‌ها و اطلاعات مربوط به باغ در این دوره به دست رسیده است شکل و شمایل کلی آن را نشان می‌دهد

ت ۷. (بالا) بازسازی طرح باغ تخت در عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه. پژوهش و ترسیم از حمیدرضا خوئی و آناهیتا وکیلی بر اساس نقشه ویلبر و تصاویر عکاسخانه کاخ گلستان و اخبار تاریخی و و تصاویر مقدماتی‌ای از محمدرضا گراوندپور. در این نقشه اندازه‌ها را از نقشه ویلبر گرفته‌ایم و جزئیات و برخی اجزا را به کمک عکس‌ها و متون و گاه بر اساس حدت یا قیاس با دیگر باغ‌ها و بناهای تاریخی ایران افزوده‌ایم.

ت ۸. (پایین) باغ تخت، طرح سیاه‌قلم از اواخر دوره ناصری. ترسیم از ژان دیولافوا.



آن تالار به قرینه ارسی‌ها و گوشوارها و ایوان‌های متعدده ساخته‌اند و به وضع‌های خوش و طرزهای دلکش و تالار مذکور دوروبه است که روی دیگرش به طرف خلوت و فضایی است که آن هم باغ‌مانند است...».

همان.

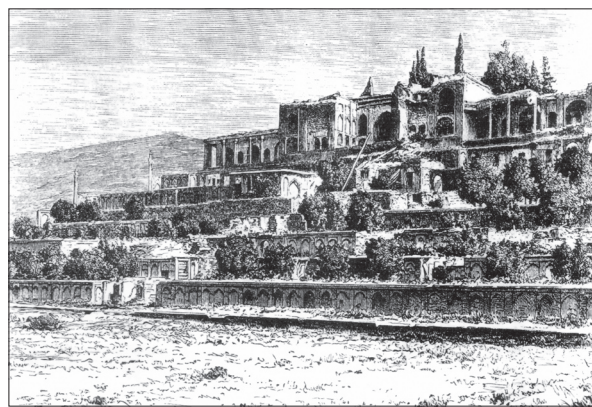
۳۲. همان، ص ۵۱۴.

۳۳. همان، ص ۵۱۴.

۳۴. همان: امروز این حمام با دخل و تصرف‌هایی هنوز باقی است.

۳۵. البته ویلبر گفته است که احداث «تخت قاجار» را به محمدشاه نسبت داده‌اند. نک: دونالد ویلبر، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهیندخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۱۹۹.

۳۶. فرصت‌الدوله شیرازی از روزگار شکایت می‌کند که باغ چنین فرسوده شده‌است. نک: فرصت‌الدوله شیرازی، همان، ص ۵۱۴.

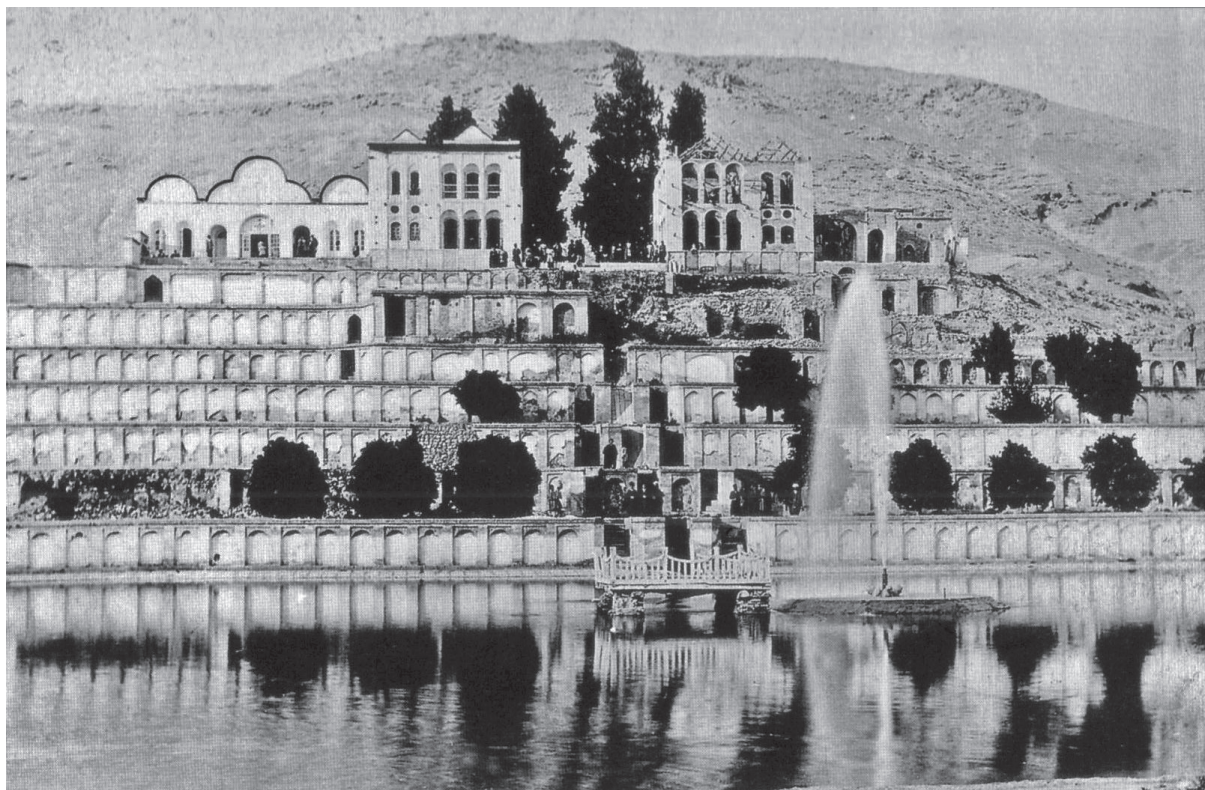


این تصویر بخش قابل توجهی از دیوار کرت‌ها و طاق آبشارها ویران شده و سقف چوبی ایوان فرورویخته و ستون‌های چوبی آن شکسته و به میان کرت‌ها افتاده است. جداره‌هایی از عمارت «شاه‌نشین» از بین رفته و استخر بزرگ برهوتی شده است.

ولی به یقین نمی‌توان گفت باغی که به تصویر کشیده‌اند در عهد ناصرالدین شاه به این شکل درآمد یا در عهد محمدشاه. از همین رو با اطلاعات کنونی، باید باغ را در این هیئت به یکی از این دو زمان منسوب کرد.^{۳۵} البته تردیدی نیست که باغ عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه با پیش از آن تفاوت آشکاری داشت.

«تخت قاجار» عهد ناصری تا «باغ تخت» کنونی

باغ از این پس از رونق افتاد.^{۳۶} گاه به تعمیر و بازسازی آن اهتمام کردند اما این اقدامات تنها در بخش‌هایی از آن روی داد و نتیجه‌ای جز مخدوش شدن طرح باغ نداشت. طرح سیاه‌قلم زیبایی که اوضاع باغ را در اواخر دوره ناصری نشان می‌دهد^{۳۷} گویای شکوه از دست رفته است. (ت ۸) در



ت ۹. (بالا) باغ تخت در اواخر دوره قاجاریان. این تصویر پس از «ت ۷» گرفته شده است.
ت ۱۰. (پایین) باغ تخت در اواخر دوره قاجاریان، مأخذ: پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران

یکی از عکس‌هایی که از باغ در دست نشان می‌دهد که سقف چوبی ایوان فروریخته، اما طاق آجری آن هنوز باقی است.^{۳۸} (ت ۹) تقریباً اغلب اتاق‌های جناح شرقی ایوان خراب شده است. در عوض ساختمانی با شکل و نمایی تازه ساخته‌اند. قسمت عمده نیمه شرقی «باغ مطبق» از میان رفته، اما استخر هنوز پرآب است و تعدادی از درختان نارنج و لیمو به جاست. در عکسی از زمانی پس از عکس پیشین،^{۳۹} از طاق آجری ایوان خبری نیست اما ساختمان شرقی ایوان در حال بازسازی است و هنوز درختان خشک نشده است. (ت ۱۰) استخر دایر است. تختگاهی در میانه آن است و فواره باغ جلوه می‌کند. اما در عکس سوم که باغ را در عهد پهلوی اول نشان می‌دهد،^{۴۰} استخر خشک و بایر است. ساختمان شرقی عمارت فوقانی کاملاً



چنین می‌نماید که از این زمان، دیگر هیچ‌گاه «تخت قاجار» رونق سابق را نیافت.

۳۷. این تصویر در کتاب دیولافوا، آمده است. نک: ژان دیولافوا، ایران - کلد و شوش، ترجمه محمد فرهوشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۸۰.
۳۸. مطابق منبع تصویر، این عکس باغ را در اواخر دوره قاجاریان نشان می‌دهد. نک: علیرضا آریانپور، همان، ص ۱۷۴.
۳۹. همان، ص ۱۷۵. وضع بنایی که در تصویر دیده می‌شود خود حکایت می‌کند که آن را پس از تصویر ۷ تهیه کرده‌اند.
۴۰. همان، ص ۱۷۶.



ت ۱۱. باغ تخت در عهد پهلوی
اول، مأخذ: همان

دلسوزان دور ماند و افسوس که تا کنون فرصتی برای ثبت و ضبط آن به دست نیامده است. امیدواریم که به اهتمام دست‌اندرکاران و علاقمندان فرهنگ و معماری ایران امکان مطالعه عمارت‌ها و بقایای باغ فراهم شود و مجموعه‌ای چنین بگانه و شکوهمند بازسازی شود.

کتاب‌نامه

آریان‌پور، علیرضا. پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران. تهران: گلشن، ۱۳۶۷.

ابن بلخی. فارس‌نامه. توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴.

امداد، حسن. شیراز در گذشته و حال. شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۳۹.

تغییر کرده است و نسبتی با جناح غربی آن ندارد. کرت‌ها فرسوده و بایر شده است و از درختان لیمو و نارنج خبری نیست. دو کلاه‌فرنگی طرفین باغ میانی نیز به کلی تغییر کرده و به بناهایی با نقشه و شکل تازه بدل شده است. (ت ۱۱) گویا «ویلبر» باغ را در همین دوران دیده و نقشه باغ را بر پایه همین صورت از باغ رسم کرده است. از این زمان، باغ به تدریج فرسوده شد و بخش اعظم آن از میان رفت. چنین می‌نماید که از این زمان «تخت قاجار» را «باغ تخت» خوانده‌اند.

امروز اندکی از باغ فوقانی و بخش‌هایی از حمام آن باقی مانده است. ساختمانی که در جای عمارت فوقانی است نسبتی با نیای قاجاری خود ندارد. باغ در طی این دوران فرسودگی و اضمحلال به تصرف نظامیان در آمد و از دسترس محققان و

- بهروزی، علینقی. *بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز*، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، بی تا.
- بهزاد در گلستان. به مناسبت همایش بین المللی بزرگداشت استاد کمال الدین بهزاد. تهران - تبریز: ۱۳۸۲.
- پاکباز، رویین. *دائرةالمعارف هنر (نقاشی، بیکره سازی و هنر گرافیک)*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
- تاورنیه، ژان باپتیست. *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- خواندمیر. *حبیب السیر*. ۴ ج. تهران: خیام، ۱۳۵۳.
- دیولافوا، ژان. *ایران - کلد و شوش*. ترجمه محمد فرهوشی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- سمسار، محمدحسن و فاطمه سرائیان. *کاخ گلستان (آلبوم خانه)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
- عالمی، مهوش. «باغهای دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها». ترجمه محسن جاوری. *در گلستان هنر*، ش ۵ (پاییز ۱۳۸۵)، ص ۹۱-۷۲.
- عربشاه، احمدبن محمد. *زندگی شگفت آور تیمور*. تصحیح محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.
- فرصت‌الدوله شیرازی. *آثار العجم*. تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۲.
- ویلبس، دونالد. *باغهای ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- یزدی، شرف‌الدین علی. *ظفرنامه*. تصحیح محمد عباسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.